

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ جنوری ۲۰۲۳

"گلبدین"، سگی که بر صاحبش می جفد!!

جمعه- ۳۰ جدی ۱۴۰۱ - کابل: امروز جمعه بود و "گلبدین" باز هم فرصت یافت تا خود را نزد خانواده و شرکای جنایاتش مبارز نشان داده، علیه امپریالیسم امریکا سخنانی چند ایراد نماید. علت عصبانیت "گلبدین" توهین و اهانتی بود که "مایک پمپئو" وزیر خارجه قبلی امپریالیسم امریکا به شریک دزدی ها و خیانتهايش "غنی احمدزی" نموده وی را دزد انتخابات نامید. در یادداشت امروز با درنظرداشت روابط دیرینه بین شخص "گلبدین" با امپریالیسم امریکا چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم و عملکرد وی تا حال، مکث مختصری خواهیم داشت:

۱- تا جایی که من متوجه شده ام رسانه ها در کل چه داخلی و چه خارجی، خلاف سالهای گذشته که هر گوز "گلبدین" را نیز با آب و تاب قصه می نمودند و می خواستند از ورای صدای گوز و میزان تعفن آن، به آنچه خورده بود پی ببرند، دیده درائی امروز "گلبدین" به جز در "افغانستان انترنیشنل" را دیگر هیچ رسانه داخلی و خارجی انعکاس و پوشش نداده است. هرگاه این تصمیم رسانه ها بر اثر فشار طالبان صورت نگرفته باشد- که احتمالاً چنین است- عدم پوشش صحبت های "گلبدین" بدان معناست که نامبرده دیگر برای غرب و مجموع رسانه ها هیچ اهمیتی ندارد و نمی خواهند بیش از این وقت خوانندگان شان را با یاهو سرانی ها و اراجیف این انسان بی آرم ضایع بسازند.

۲- در انتقادی که امروز "گلبدین" از امپریالیسم امریکا نمود، بدرستی در مورد آن کشور و روابطش با "غنی احمدزی" حکم کرده گفت که این امپریالیسم امریکا بود که وی را نه تنها از امریکا به وسیله و درپناه طیارات بمب افکن خود به افغانستان آورد و وی را به حیث دومین مغز متفکر جهان در آشفته بازار سیاست افغانستان معرفی داشت، بلکه با همان تقلبات وی را بر گرده مردم سوار نموده، رئیس جمهور نیز ساخت.

وقتی این حکم را می خوانیم هر گاه چنین حکمی از دهن کدام فرد دیگری که خودش تا مغز استخوان در گرو امپریالیسم امریکا نمی بود و پوست و گوشت و هر بشره اش از خیرات و صدقات نهاد های استخباراتی امپریالیسم امریکا و بقیه نهاد های استخباراتی جهان تغذیه نموده بود، بر گوینده و افشاگری اش آفرین می گفتیم، مگر وقتی "گلبدین"، به مانند سگی که بر روی صاحبش غف می زند بر روی امریکا می پرد و چنین سروصدا به راه می اندازد، نمی توان بدون تبصره و گرفتن آئینه مقابله گذشت. چه می دانیم:

*- "گلبدین" از همان نخستین روز هائی که در سال ۱۳۴۹ هجری شمسی در پوهنتون کابل ابراز وجود نمود، علی رغم آن که خود را در عقب دین اسلام و اسلامگرایی مخفی نموده بود، مگر تمام ارتباطاتش با استادان امریکائی که

توأمیت پوهنخی انجنیری پوهنتون کابل را داشتند، برقرار بوده از همان آدرس نه تنها بر دشمنان امپریالیسم امریکا آتش زبانی گشود بلکه زنده یاد "سیدال سخندان" را نیز به خون افگند؛

*- به دنبال آن جنایت فراموش ناشدنی، زمانی که "داوود" کودتا کرد و تمایلاتش به طرف شوروی متوفا بیشتر تجلی نمود، "گلبدین" و بقیه همپالگی هایش به پاکستان پناه برده، به مثابه چماق دست "سیا" در خدمت امپریالیسم امریکا قرار گرفته و به نیابت از آن، دستبوس و چاکر "آی. اس. آی." گردید؛

*- زمانی نوکران روس و بعد تر خود آنها افغانستان را تحت سیطره مسقیم خود قرار دادند و تقابل بین پیمان های "وارسا" و "ناتو" در افغانستان علنی شد، همه به یاد دارند که "گلبدین" چگونه با تکیه بر امکانات امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه که از طرف "آی. اس. آی." دریافت می داشت، در پاکستان به خصوص شهر پشاور و ناحیه "فقیر آباد" آن شهر حکمرانی نموده به هزاران هموطن ما را در داخل و خارج از کشور به خاک و خون کشید؛

*- بعد از فرار مفتضحانه مگر ناموفق "نجیب گاو" و نشستن باز قدرت نخست بر سر "صبغة الله" و بعد تر "ربانی- مسعود" و گرایش آن دو به جانب روسیه، نسل ما شاهد است که چگونه این جنایتکار بیرحم با سلاح هائی امریکائی به خصوص "سکر ۲۰" و "سکر ۳۰" به مثابه مدافع منافع امریکا در منطقه عمل نموده، شهر کابل را ویران و بیش از ۶۵ هزار از همشهریان ما را به قتل رسانید؛

*- به دنبال اشغال خونبار کشور ما توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء، باز هم همه شاهدیم که بعد از مدتی جنگ زرگری که عمدتاً به قتل مردم بیگناه منجر می شد، همین انسان خود فروش با چه دبدبه و کوکوبه، ضمن یک تسلیمی رسوا به حاکمیت پوشالی، به کابل آمده در کنار "غنی احمدزی" قرار گرفت و بدان وسیله عملاً و رسماً حاکمیت مولود تجاوز را به رسمیت شناخته، خیانت دیگری بر کوهواره خیانت ها و جنایاتش افزود؛

*- از همان زمان تا امروز در خانه ای که امپریالیسم امریکا برایش ساخته و در مسجدی که باز هم امپریالیسم امریکا برایش اعمار نموده زندگی و سجده نموده و از پولی که چه در گذشته های دور و چه هم گذشته های نزدیک، نهاد های استخباراتی امریکا، انگلیس، عربستان و پاکستان برایش داده و قسماً می دهند امرار حیات می نماید، مگر باز هم علیه امریکا دهن باز می کند، همان سگی را تمثیل نمی کند که بر روی صاحبش می جفت؟
هموطنان گرامی!

نمی دانم این سگ هار ارتجاع مذهبی حافظه خودش را از دست داده است و یا فکر می کند مردم حافظه شان را از دست داده اند که چنین از نوکری و وابستگی "غنی احمدزی" بدون شرم و خجلت یاد می نماید. او نمی خواهد کسی از وی بپرسد که وقتی "غنی احمدزی" نوکر و چاکر و دست نشانده و مزدور امریکا بود - که بود-، تو که می خواهی خود را ضد امپریالیسم معرفی نمائی، چرا دست در دست وی گذاشتی و به مثابه آله دستش نه تنها خود را برایش عرضه نمودی، بلکه در ازای دریافت پول و دالر تمام تاریخ مبارزاتی راست و یا دروغ بنیادگرانی اسلامی را نیز در آشفته بازاری که امپریالیسم امریکا و شرکاء به وجود آورده بودند، سودا نمودی؟

هموطنان گرامی!

به این سگ هار و زنجیری امپریالیسم و ارتجاع نباید فرصت داد تا با خزیدن در جمع مخالفان طالب و حاکمیت پوشالی ساقط شده برای خودش باز هم اسم و رسمی دست و پای نموده به مردم فریبی اش ادامه دهد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!